

سیاسی، زمینه تعامل حوزه علمیه و این سازمان‌ها را ایجاد کرده است. ضمن این که نهاد دین در تقسیم کار و تکوین قشر بندی اجتماعی مؤثر است، در مقابل، شکل گیری صورت‌های خاصی از کنش و گفتمان دینی، صرفاً در صورت وجود درجه و شکل معینی از تقسیم کار اجتماعی امکان پذیر است و این امر بر ایجاد ساختارهای مشخصی از اعمال و رفتارهای اجتماعی و کار کردها و ساختار پیام دینی تأثیر گذار است. بر این اساس، توجه ویژه به صورت و وجه خاص ساختار نهادی متناسب با فرهنگ دینی ضرورت دارد و ساختار و مناسبات بین سازمانی می‌تواند بر مبنای چشم انداز و راهبردهای مشترک، تغییر و تحول یابد.

ب. تأمین نیروی انسانی مورد نیاز سازمان‌های مرتبط

با توجه به این که کارکرد اصلی حوزه علمیه، آموزشی و تربیتی است و فرهنگ دینی، بخش عمده فرهنگ عمومی را شکل می‌دهد، نهادهای فرهنگی و اجتماعی، به ویژه آموزشی، همواره از تربیت یافتگان حوزه‌های علمیه بهره‌بردار بوده‌اند. هرچند که از سویی تربیت این بخش از روحانیان، مطابق نیاز و انتظارات سازمان‌های بهره‌بردار صورت نمی‌گیرد و از سوی دیگر، به کارگیری آنان نیز در قالب‌های سازمانی این سازمان‌هاست و دیدگاه‌های حوزه علمیه در چگونگی بهره‌گیری مورد عنایت نیست، با این حال، این ظرفیت نقش عمده‌ای در تعامل حوزه علمیه و سازمان‌های مرتبط ایجاد کرده و قابلیت‌های بیشتری نیز وجود دارد که باید مورد بهره‌برداری قرار گیرد.

ج. مدل سازی و طراحی الگوهای مبتنی بر فرهنگ دینی

نهاد دین از طریق اعمال نوعی منطق سلسله مراتبی متناسب با ساختار دین و جامعه، در حفظ نظم اجتماعی نقش آفرینی و متقابلاً نوعی خلق و خوی دینی متناسب با ساختار اجتماعی را در جامعه تثبیت می‌کند که غالباً یکی از مجاری اصلی تحول اجتماعی است. ارائه الگوهای مبتنی بر فرهنگ دینی، در وهله اول منوط به توجه به ظرفیت دین در نظام سازی و ترسیم الگوهای برآمده از نگاه کلان دینی است. کتاب «نگرش سیستمی به دین»^۳ که در حوزه علمیه خراسان نشو و نمو یافته، نمونه خوبی از شناخت ظرفیت دین در عرصه نظام سازی است. گام بعدی، ارائه الگوهای اجرایی متناسب با مسائل و چالش‌های اصلی جامعه است

که باید پس از نقد و ارزیابی، از طریق سازوکارهای آموزشی و برگزاری کارگاه‌ها به دست اندرکاران عرضه شود. برآیند این جریان، شکل دهنده کارکرد حوزه علمیه در نظام فرهنگی است که از طریق ارائه الگوهای کاربردی در زمینه‌های مختلف، بر عرصه‌های گوناگون تأثیر گذار خواهد بود. بر این اساس می‌توان گفت که حوزه دین در تقسیم کار اجتماعی، کارکرد خاص خود را عرضه می‌کند که البته برآورده کننده انتظارات فرهنگ دینی در عرصه‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی است.

د. تولید نظام معنایی و تأمین محتوای فعالیت‌های فرهنگی

نظام معنایی می‌تواند خصیصه‌های روانی را به صورت خاصی برجسته کند و با تلفیق این اثرگذاری درونی و ایجاد رفتار مبتنی بر عادت، نوع خاصی از شخصیت (مبتنی بر فرهنگ دینی) شکل می‌گیرد. سازمان‌های مرتبط با فرهنگ دینی، با گزینش، تثبیت و حفظ این گونه شخصیت‌ها، آن‌ها را به صورت الگوهای رفتاری درمی‌آورند. این الگوهای رفتاری باید در قالب نظام تبلیغی آموزش و ترویج شوند. هدف از این امر، انتقال نظام یافته دانش و الگوهای مهارتی و رفتاری است که به تغییر پایدار رفتارهای انجام دهنده سازوکار آن، مشتمل بر فرایند ارتباطی و انتقال پیام است که مبتنی بر انگیزش و استمرار ارتباط با مخاطب انجام می‌شود. امروز می‌توان گفت که تعامل حوزه و نظام اسلامی در سطح سازمان و نهاد، در گسترده‌ترین شکل آن از زمان شکل گیری حوزه‌ها قرار دارد و در دهه‌های اخیر به دستاوردهای قابل توجهی رسیده که از جمله آن است:

۱. حضور روحانیون و تربیت یافتگان حوزه‌های علمیه، گستره وسیعی از سازمان‌های فرهنگی و اجتماعی را شامل می‌شود؛
۲. تنوع دانش‌ها و مهارت‌های روحانیان، زمینه و عمق تأثیرگذاری آنان را در سازمان‌های مرتبط افزایش داده است؛

۳. روحانیت توانسته است نقش و جایگاه خود را به عنوان یکی از گروه‌های مرجع در جامعه حفظ کند؛

۴. بخش عمده‌ای از علم و محتوا در زمینه علوم انسانی، توسط حوزه علمیه و روحانیت و سازمان‌ها و مؤسسات مرتبط به آن‌ها تولید می‌شود؛

۵. خدمات دهی حوزه و روحانیت به دولت و دستگاه‌های دولتی، با کمترین هزینه انجام می‌شود.

در کنار دستاوردهای یادشده، نارسایی‌ها و چالش‌هایی نیز وجود دارد که از سویی مانع موفقیت حوزه و روحانیت در تعامل مطلوب با سازمان‌ها و نهادهای نظام شده و از سوی دیگر، پاسخ گویی به نیازهای موجود و مسائل آینده و تحقق چشم انداز مطلوب نهاد دین در این عرصه، در گرو توجه جدی به آن‌هاست. اهم این چالش‌ها به شرح زیر است:

۱. تناسب نداشتن خروجی‌ها و تربیت یافتگان حوزه‌ای با گستره نیاز موجود در جامعه و فقدان سازوکارها و فرآیندهای مناسب و جامع برای پرورش طلاب متناسب با نیازهای جامعه؛
 ۲. فقدان سرمایه گذاری و پشتیبانی لازم از سوی دولت در قبال خدمات جاری یا مورد انتظار از حوزه؛
 ۳. نبود هماهنگی و انسجام بین نهادهای و مؤسسات حوزه‌ای و سازمان‌های مرتبط؛
 ۴. فقدان سیاست گذاری و جهت دهی مناسب فرهنگی، مطابق با ارزش‌ها و اعتقادات دینی و متناسب با سازمان‌ها و نهادهای مرتبط؛
 ۵. لزوم توجه ویژه به شکل گیری وجه خاصی از ساختار نهادی برآمده از فرهنگ دینی، توأم با حمایت دولت؛
 ۶. فقدان زیرساخت‌های تولید علم و شکل گیری نظام‌های معنایی در عرصه فرهنگی اجتماعی؛
 ۷. نارسایی در توجه جدی به حوزه و حمایت مؤثر دولت از نظام سازی دینی، مدل سازی و تولید الگوهای اجرایی مورد نیاز.
- پرداختن به نارسایی‌ها و چالش‌های یادشده، مستلزم بررسی‌های گسترده، با

مشارکت صاحب نظران و دست اندرکاران حوزه‌ای و کشوری است که توجه به موارد زیر، به عنوان برخی پیشنهادها می‌تواند سودمند باشد:

۱. مسئله یابی در زمینه تعامل نهادی حوزه و نظام اسلامی، مستلزم شکل گیری انجمن‌ها و حلقه‌های علمی و برگزاری نشست‌های تخصصی متنوع و مستمر با حضور نخبگان و صاحب نظران مرتبط در این زمینه است.
 ۲. اقدامات انجام گرفته در زمینه ارائه الگوهای اجرایی متناسب با مسائل و چالش‌های اصلی جامعه، باید شناسایی، معرفی و حمایت شود.
 ۳. شکل گیری شوراهای تخصصی متناسب با مسائل و چالش‌های عمده و سیاست گذاری مستمر در این باره، می‌تواند مؤثر واقع شود.
 ۴. ترسیم استراتژی فرهنگی نظام، با عنایت به نقشه مهندسی فرهنگی کشور، می‌تواند به عنوان سند اصلی هماهنگی دستگاه‌های فرهنگی، مورد توجه قرار گیرد.
 ۵. انسجام بخشی به رفتار سازمان‌ها و مؤسسات مرتبط با فرهنگ دینی، به عنوان نمونه در قالب یک سازمان مجازی، به صورت محلی و منطقه‌ای مفید به نظر می‌رسد.
 ۶. گسترش مؤسسات و سازمان‌های تخصصی مرتبط با حوزه، در زمینه تولید علم و محتوای فعالیت‌های فرهنگی و نیز پشتیبانی از نهادهای آموزشی و رسانه‌ها، می‌تواند مورد بهره‌برداری قرار گیرد.
 ۷. ارزش گذاری خدمات حوزه علمیه به دولت و سرمایه گذاری و حمایت متناسب دولت با حفظ استقلال حوزه، از الزامات گسترش و استمرار تعامل حوزه و نظام است.
- در نهایت به نظر می‌رسد پرداختن به موارد یادشده، مستلزم شکل گیری فضای فرهنگی مساعد و گفتمانی مبتنی بر مطالبات مقام معظم رهبری در زمینه‌های مرتبط، نظیر تولید علم، آزاداندیشی و تحول حوزه علمیه است که زمینه ساز رویکردی جدی، به خصوص در نخبگان و مدیران خواهد بود.

۱. «من بخشی از نقایص موجود در مسائل فرهنگی به ویژه در صدا و سیما و آموزش و پرورش را متوجه روحانیت و حوزه علمیه می‌دانم؛ زیرا وظیفه جهت دهی صحیح فرهنگی، مطابق با ارزش‌ها و اعتقادات دینی بر عهده روحانیت و حوزه علمیه است» بیانات رهبر انقلاب در دیدار با جمعی از فضلا و نخبگان حوزه‌ای در قم ۸/۸/۸۹.

۲. اهداف و وظایف حوزه علمیه قم.

۳. تألیف حجت الاسلام والمسلمین عبدالحمید واسطی.